

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)
سال سیزدهم، شماره ۵۱ (پاییز ۱۴۰۲) صص ۲۸-۷

بررسی و تبیین راهبردهای جریان سلطنت طلب

مبثنی بر شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: اغتشاشات سال ۱۴۰۱)

● علی رضائی ●

کارشناس ارشد رشته امنیت دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

● محمد صالح حسین زاده ●

استادیار جامعه‌شناسی سیاسی دانشکده مطالعات بین الملل دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

جریان سلطنت طلب مجموعه‌ای متشکل از گروهک‌ها، سازمان‌ها، احزاب، تشکل‌ها، شوراها و منفردین بوده که به صورت متکثر و با مشی نرم، نیمه سخت و سخت به دنبال براندازی نظام ج.ا.ا می‌باشد. این مجموعه توانسته در عرصه‌های گوناگون از قبیل امنیتی، اطلاعاتی، جاسوسی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بین‌المللی و رسانه‌ای فعال گردد. جریان مذکور طی دهه اخیر توانسته سهم قابل توجهی را از تحرکاتی که علیه نظام ج.ا.ا صورت گرفته به خود اختصاص دهد و در اغتشاشات داخلی نیز نقش برجسته‌ای ایفا نماید.

در این شرایط، احصای الگوی جریان سلطنت طلب در توسعه اقدامات تشکیلاتی و همراه‌سازی توده‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بوده و عدم توجه کافی به این موضوع می‌تواند باعث افزایش جذب و گسترش دامنه اقدامات جریان سلطنت طلب گردد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و تبیین راهبردهای جریان سلطنت طلب در شبکه‌های اجتماعی بوده که به واسطه آن توانسته مخاطب خود را نشان، جذب، استحاله و علیه نظام به‌کارگیری نماید.

روش این پژوهش مبتنی بر مبانی «تحقیق تلفیقی» بوده که به هر دو نوع داده‌های کمی و کیفی، اهمیت نسبتاً یکسان می‌دهد. در این شیوه، گردآوری داده‌های کمی و کیفی به صورت هم‌زمان انجام می‌گیرد و در مرحله تحلیل، این دو دسته داده با هم مقایسه می‌شوند تا میزان هم‌راستایی یافته‌ها مشخص شده و هماهنگی نتایج حاصل از این دو دسته روشن گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جریان سلطنت طلب با استفاده از راهبردهای اقدامات ترکیبی، حمایت و پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتی غربی، نفوذ، جذب و سازماندهی هسته‌های داخلی و اقدامات رسانه‌ای پرحجم و مؤثر، توانسته نقش اثرگذاری در ایام اغتشاشات سال ۱۴۰۱ ایفا نماید.

کلید واژگان: سلطنت طلب، بازماندگان رژیم پهلوی، مبارزه مسلحانه، اغتشاشات، شبکه اجتماعی.

مقدمه و بیان مسئله

از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون، دشمنان همواره و از طرق مختلف به دنبال براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشند. دول متخاصم، سرویس‌های اطلاعاتی کشورها، گروهک‌های ضد انقلاب و جریان اپوزیسیون را می‌توان به عنوان بازیگران اصلی در این عرصه برشمرد. بررسی رفتار این بازیگران از ابتدای انقلاب تاکنون نشان می‌دهد، اقدامات آنها کاملاً به صورت هماهنگ و یکپارچه بوده و بر اساس یک الگو و راهبرد بالادستی صورت می‌گیرد.

الگوهای به کاررفته بر اساس اقتضاهای خاص دوره‌های مختلف تاریخ بوده و باعث گردیده مدل‌های مبارزاتی در جوامع جهانی از روش‌های سخت تا نرم را طی کند. در حال حاضر نیز جامعه جهانی وارد مرحله جدیدی گردیده که نبرد اصلی در این مرحله، جنگ شناختی و ادراکی با دشمنان است و فضای مجازی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری آن دارد. میزان تأثیر شبکه اجتماعی بر شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی (از نافرمانی مدنی و اعتراضات تا اغتشاشات) به حدی می‌باشد که در یک هفته ابتدایی اغتشاشات سال ۱۴۰۱، میزان توییت‌های با هشتگ مهسا امینی از مرز ۴۰ میلیون گذر کرد و نهادهای انتظامی و امنیتی را وادار نمود تا با سیاست کاهش دسترسی به اینترنت، تأثیرات رسانه بر شبکه‌های اجتماعی را کاهش دهند.

طی بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد که در بین گروه‌های ضد انقلاب، عملکرد جریان سلطنت‌طلب نسبت به سایر بازیگران در سطح بالاتری قرار دارد که این موضوع می‌تواند محل تأمل باشد. جریان سلطنت‌طلب ضمن حفظ پویایی و استفاده از روش‌های نوین براندازی، توانسته از سال ۱۳۹۰ سهم قابل توجهی از اقدامات صورت گرفته علیه نظام و همچنین توجه سرویس‌های جاسوسی را به خود اختصاص دهد. این جریان توانسته افکار عمومی را به صورت نسبی با خود همراه نماید و از این بستر، پایگاه اجتماعی بیشتری نسبت به سایر گروهک‌ها به دست آورد.

متأسفانه در شرایط کنونی، میزان نارضایتی‌های اجتماعی توده مردم مخصوصاً نسل سوم انقلاب افزایش یافته است. این نارضایتی‌ها که بعضاً در قالب عداوت جلوه‌گری دارد، بنا بر دلایلی از جمله نبود آگاهی کافی در عموم مردم به‌ویژه نسل Z از دوران پیش از انقلاب اسلامی، غفلت نظام نسبت به روشنگری در مورد ماهیت پلید و کودتایی رژیم پهلوی، عدم انعکاس نقاط تاریک عملکرد

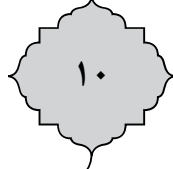
خانندان منحوس پهلوی، ضعف‌های موجود در اداره فعلی کشور، مشکلات معیشتی و... بوده که به تبع آن گرایشاتی نسبت به مقوله سرنگونی نظام و بازگشت پهلوی ایجاد گردیده است.

این جریان در دوران رژیم منحوس پهلوی و بعد از آن، دائماً در حال فعالیت پنهان و آشکار بوده است. لکن بعد از سرنگونی رژیم طاغوت و فرار بخش قابل توجهی از بدنه آن، طی سه دهه ابتدایی انقلاب، چندان به عنوان تهدید جدی مطرح نبوده است. اقدامات این جریان از ابتدای سال ۱۳۹۰ باعث شکل‌گیری حساسیت‌های جزئی در گوشه و کنار ساختار کشور گردید که البته بسیاری از صاحب‌نظران، اقدامات سلطنت‌طلب‌ها را حباب‌گونه و فصلی تحلیل می‌نمودند. لکن استمرار اقدامات کینه‌توزانه جریان مزبور باعث رشد آنها در مسیر مبارزاتی علیه ج.ا.ا گردید.

لازم است توجه گردد که در بین گروه‌های ضد انقلاب، سلطنت‌طلب‌ها، تنها جریانی هستند که دارای سابقه حکومت‌داری در کشور بوده‌اند. این موضوع باعث اعتماد به نفس بالاتری در آنها برای ایفای نقش جایگزین گردیده است. حال و با توجه به گستردگی و تنوع اقدامات جریان سلطنت‌طلب در داخل و خارج از کشور، شناخت گام‌های مبارزاتی این جریان می‌تواند در مهار آنها بسیار مؤثر باشد که تبیین موارد مذکور، موضوع این پژوهش می‌باشد. به تعبیر دیگر راهبرد و روش کاری این جریان که به واسطه آن توانسته ضمن همراه‌سازی توده‌ها با خود، اقدامات تشکیلاتی و تحرکات بین‌المللی را افزایش دهد، به عنوان مسئله این تحقیق مطرح می‌باشد. برای احصای این راهبرد، توجه و واکاوی یکی از این رخدادهای امنیتی جمهوری اسلامی می‌تواند کمک کند تا حدود و ثغور اقدامات جریان سلطنت‌طلب به دست آید.

این مقاله با هدف «بررسی، استخراج و تبیین راهبردهای جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی» تنظیم گردیده و در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که: راهبردهای جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی چیست؟

مقابله و خنثی‌سازی بهتر تهدیدات پیش روی نظام از مسیر شناخت اولیه نسبت به آن پدیده می‌گذرد. یکی از این تهدیدات جریان سلطنت‌طلب است که اقدامات آن دارای گستره وسیعی می‌باشد. در این شرایط احصای روش‌های جریان سلطنت‌طلب در توسعه اقدامات تشکیلاتی، برشماری تاکتیک‌های همراه‌سازی توده مردم و گسترش دامنه هواداری، آسیب‌شناسی اقدامات ۴۶ ساله نظام ج.ا.ا و رفع آنها و طراحی فرآیندی جهت روشنگری افکار عمومی نسبت به اقدامات رژیم منحوس پهلوی



دارای اهمیت می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد عدم توجه به این پژوهش، اثرات نامطلوبی دارد که افزایش ناراضیاتی عمومی نسبت به وضعیت کنونی، جذب هر چه بیشتر جریان سلطنت طلب از بدنه معترضان به نظام ج.ا.ا، حضور جمعی از فریب‌خوردگان در اغتشاشات احتمالی و کاهش سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی از آن جمله می‌باشد.

پیشینه پژوهش

ابعاد گوناگون موضوع تحقیق مبتنی بر جریان سلطنت طلب و اغتشاشات ۱۴۰۱ به صورت تفکیک شده مورد جست‌وجو و ارزیابی قرار گرفت. طی بررسی صورت گرفته متأسفانه تا کنون پژوهشی در حوزه رفتارشناسی و یا حتی ماهیت جریان سلطنت طلب صورت نگرفته است. لذا در این بخش به پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها، کتب و مقالاتی که دارای شباهت با موضوع این پژوهش بوده اشاره می‌گردد:

۱) سمیه توحیدلو (۱۴۰۲) مقاله‌ای تحت عنوان: «فرا ترکیب تحلیل‌های موجود درباره اعتراض‌های ۱۴۰۱ ایران» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نگارش کرده است. این تحقیق به بررسی تمام پژوهش‌ها در این زمینه توجه نموده و به صورت فراتحلیل عوامل ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ را بیان می‌دارد. یافته‌های آن حاکی از این است که از منظر عوامل شکل‌دهنده در اغتشاشات ۱۴۰۱ می‌توان

به چارچوب کلی زیر اشاره کرد:

- وجود کژ کارکردها و ناکارآمدی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برونزا و یا درونزا.
- تغییرات صورت گرفته از منظر اجتماعی و فرهنگی مانند تغییرات جمعیتی، تغییرات در سبک زندگی، تغییرات در آگاهی و تحصیلات.
- زمینه اجتماعی و حضور رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی و حضور پررنگ نسل زد و زنان در این شبکه‌ها.

۲) محمدرضا قانندی و همکاران (۱۴۰۰) مقاله‌ای تحت عنوان: «عوامل مؤثر در بروز بحران امنیتی در شهرهای ایران (کاربست نظریه محرومیت نسبی در تحلیل اعتراضات آبان ۱۳۹۸)» در نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری نگارش کرده‌اند. یافته‌های آن حاکی از این است که فرضیه مطروحه با کاربردی نظریه محرومیت نسبی این بود که، کاهش توانایی‌های مردم منجر به بروز اعتراض،

شورش و در نهایت تبدیل به یک بحران امنیتی می‌شود. نتیجه آنکه مردم طی دو سال زندگی خود در سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۸ در شرایط تحریم‌های بین‌المللی، کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ خوراکی‌ها، افزایش نرخ دلار، سکه و کاهش درآمد سرانه، کاهش توانایی‌هایشان آشکار گردیده و با آغاز ناگهانی افزایش قیمت بنزین این حس ایجاد شد که فاصله میان انتظارات و توانایی‌ها بسیار زیاد شده و احساس محرومیت نسبی ایجاد شده در مردم، منجر به اعتراض‌هایی شد که در نهایت به شورش و بحران امنیتی تبدیل گشت.

۳) حسین حسینی جیردهی و همکاران (۱۴۰۲) مقاله‌ای تحت عنوان: «واکاوی نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری آشوب‌های اجتماعی آبان ۱۳۹۸ در ایران» در فصلنامه آفاق امنیت نگارش کرده‌اند. یافته‌های آن حاکی از این است که عضویت اکثریت جمعیت جوان کشور در شبکه‌های مجازی و پلتفرم‌های غیر بومی، زمینه مناسب را برای پیشبرد عمیق جنگ نرم و روش‌های ترکیبی و پیچیده، در فضای ماهواره‌ای و مجازی فراهم کرد. این شبکه با تهییج عواطف، تحریک هیجانانگیزان و جهت‌دهی نامطلوب مطالبات جوانان به سمت و سوی خاص، نقش اصلی را در بسیج اجتماعی، آشوب‌های خیابانی، رفتارهای خشونت‌بار و خسارت‌آفرین بر عهده داشت.

۴) علی‌اکبر ندائی (۱۴۰۲) مقاله‌ای تحت عنوان: «نگرشی پست‌مدرن به ناآرامی‌های کشور در ۱۴۰۱» در فصلنامه آفاق امنیت نگارش کرده است و یافته‌های آن حاکی از این است که رسانه و فضای مجازی محوری‌ترین نقش در اثرگذاری بر ناآرامی‌های چند ماهه کشور را داشته است.

۵) محدثه‌السادات تقوی‌نژاد (۱۴۰۲) مقاله‌ای تحت عنوان: «نقش توسعه شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات و اغتشاشات اجتماعی و سیاسی» در دومین کنگره بین‌المللی مدیریت نگارش نموده و یافته‌های آن حاکی از این است که: نتایج به‌دست آمده از بررسی جامعه آماری ۱۲۷ نفره از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب نشان می‌دهد که تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار کلی جامعه آماری بالغ بر ۸/۹۰ درصد، تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی در مناقشات و ناآرامی‌ها و اغتشاشات با فراوانی ۲/۴۱ درصد، تأثیر اینستاگرام که دارای بیشترین تأثیر در بین شبکه‌های اجتماعی است در امر اعتراضات و ناآرامی‌ها بالغ بر ۶/۶۳ درصد بوده است.

۶) محمدتقی عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۷) مقاله‌ای تحت عنوان: «فضای مجازی، همنشینی و رفتارهای پرخطر: مطالعه رابطه همنشینی دانشجویان در فضای مجازی با رفتارهای پرخطر در فضای

واقعی و مجازی» در فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی نگارش کردند، یافته‌های آن حاکی از این است که بین استفاده از موبایل، اینترنت و در نهایت هم‌نشینی در فضای مجازی با رفتارهای پرخطر در فضای مجازی و واقعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

۷) مرتضی نوروزپور (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان: «تحلیل اعتراضات سیاسی دی ماه ۱۳۹۶» در نشریه پژوهشنامه علوم سیاسی منتشر کرده و یافته‌های آن حاکی از این است که: انگیزش‌های معترضان به دو دسته «بنیادی» و «دورانی» تقسیم می‌شود. انگیزش‌های دورانی از لحاظ سیر زمانی مربوط به مقطع پیش از اعتراضات هستند و انگیزش‌های بنیادی مربوط به ساختارهای اجتماعی هستند که دیرپاتر بوده‌اند. انگیزش‌های بنیادی نیز به دو دسته حیاتی و ذهنی (فرهنگی) تقسیم شده‌اند. مواردی چون نیاز اقتصادی، نیاز جنسی و... جزو نیازهای حیاتی در نظر گرفته شدند و مواردی مانند تبعیض و تحقیر، محرومیت قیاسی، انگیزه اخلاقی و... در ذیل نیازهای ذهنی دسته‌بندی شدند. نهایتاً با اندازه‌گیری فراوانی این انگیزش‌ها در متون مصاحبه با معترضان و با استناد به نظریه شناسایی اکسل هونت، به این نتیجه رسیده است که عمده علت اعتراضات دی ۱۳۹۶، از باب نیازهای ذهنی بوده است و در رأس این نیازها مسئله تبعیض و تحقیر قرار دارد.

۸) حسین صابر دمیرچی (۱۴۰۱) مقاله‌ای تحت عنوان: «واکاوی عوامل ساختاری و نیروهای فرآیندی اعتراضات مردمی خیابانی در جمهوری اسلامی ایران» در نشریه بحران‌پژوهی جهان اسلام نگارش کرده است و یافته‌های آن حاکی از این است که: اعتراضات دوره‌ای از لحاظ ساختاری ریشه در کیفیت رابطه و مواجهه عناصر چندگانه (ساخت دوگانه قدرت، منطق هضم اقتصادی و منطق فراخوانی مردمی اعتراضی) در یک بزنگاه تاریخی دارد. اعتراضات نوعی فرآیند ادامه‌دار و تکرار شونده با منطق مواجهه‌های تصادفی و در عین حال عمیق‌یابنده‌ای را نشان می‌دهد.

۹) آروین رحبی (۱۳۹۳) پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: «سیاست‌های اقدام غیر خشونت‌آمیز» در مرکز مطالعات راهبرد بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع) نوشته است. یافته‌های آن پایان‌نامه حاکی از این است که: مبتنی بر نظریه جین شارپ و گاندی در عرصه نافرمانی مدنی، مبارزه خشونت‌پرهیز به عنوان خطرناک‌ترین سلاح برای تغییر حکومت‌ها به حساب می‌آید. در این پژوهش تلاش گردیده از باب نیاز کشور و نوآوری، از زاویه دیگری به پدیده اعتراضات و اغتشاشات پرداخته شود. ابعاد اغتشاش از زوایای مختلف بررسی شده، لکن از منظر جریان سلطنت‌طلب و اقدامات تشکیلاتی آنها

در شبکه اجتماعی تحقیقی صورت نگرفته است.

مبانی نظری

این قسمت شامل طرح مباحث نظری در خصوص موضوعات اصلی و مرتبط با عنوان مقاله اعم از مفاهیم مربوط به امنیت، براندازی، رسانه، شبکه اجتماعی، جریان سلطنت طلب و... می باشد.

امنیت

امنیت به معنای «آسودگی و ایمنی، در امان بودن، ایمن شدن»، به عنوان یک نیاز اساسی در جوامع انسانی و حیات فردی و اجتماعی مطرح می باشد. اندیشه اسلامی به موضوع امنیت به عنوان یک نیاز ضروری نگاه می کند و یکی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی را تأمین و برقراری امنیت در جامعه می داند. در همین راستا واژه «تهدید» به عنوان یک واژه خاص مطرح بوده که برای توصیف آن باید از سایر واژه ها از جمله امنیت کمک گرفت. تهدید غالباً به عنوان یک شاخص در شناساندن امنیت مد نظر بوده است، تا اینکه خود به صورت مستقل، موضوع شناخت واقع شود. نخستین کاربرد این واژه، متعلق به گفتمان سلبی امنیت بوده که به واسطه آن، امنیت به عنوان فضا یا شرایط نبود تهدید تعریف می گردد.

آنچه در این مقاله بیشتر مورد تأکید و توجه است، نظریه ایجایی امنیت بوده که در آن، امنیت به نبود تهدید تعریف نمی شود، بلکه علاوه بر فقدان تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته های ملی نیز مد نظر است. بر این اساس تهدید تنها در وضعیتی وجود دارد که آن جامعه در سطح قابل قبولی از اطمینان و رضایت برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی و ارزش های حیاتی اش نباشد (اسدی فرد، ۱۴۰۱: ۶۴-۶۷).

براندازی

براندازی عبارت است از مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی شده و هماهنگ، که به منظور سرنگونی نظام حاکم، هیئت حاکمه یا هر دو و استقرار نظام سیاسی مورد نظر صورت می‌گیرد. این اقدامات می‌تواند آشکار یا پنهان، مسلحانه یا غیرمسلحانه، قانونی یا غیر قانونی، توأم با خشونت یا بدون خشونت و... صورت گیرد (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). نکته قابل توجه اینکه بسیاری از متفکران این عرصه، تفاوتی بین براندازی و اصلاحات قائل نیستند. اصلاحات به دنبال تغییرات جزئی در حکومت بوده و برنامه‌ای برای تغییرات کلی در اصل و ساختار حکومت مستقر ندارد درحالی‌که براندازی به دنبال از بین بردن حکومت مستقر و جایگزین کردن سیستم دیگر در تمام عرصه‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌باشد (هارمن، کریس، ۱۳۹۳: ۳۹).

در بازخوانی گفتمان امنیتی رهبر انقلاب، براندازی به معنی متزلزل کردن اساس و پایه‌های نظام، آینده ملت و کشور و مشروعیت نظام می‌باشد (رهبر انقلاب، ۱۳۷۷). باید توجه گردد که انقلاب به معنای تغییر دولت مردان نیست، بلکه شامل واژگون شدن نظم حاکم و سلسه‌مراتب کهنه اجتماعی سیاسی است.

شاخص‌های براندازی

- فعالیت مخفی و پنهانی.
- در پی تبدیل نظامی سیاسی اجتماعی.
- متزلزل کردن ساختارهای قدرت حکومت مستقر.
- براندازی کلی نظام حاکم.

جریان سلطنت طلب

مجموعه‌ای متشکل از گروهک‌ها، سازمان‌ها، احزاب، تشکل‌ها، شوراها و منفردان بوده که به صورت متکثر و با مشی ترکیبی و هوشمند (نرم، نیمه‌سخت و سخت) به دنبال سرنگونی ج.ا.ا می‌باشند. این مجموعه بعد از سقوط رژیم منحوس پهلوی به واسطه اقدامات بازماندگان و وابستگان آن رژیم، از

جمله خاندان منحوس پهلوی و نهادهایی نظیر ساواک فعالیت‌های خود را علیه ج.ا.ا آغاز نمودند. در ادامه با شکل‌گیری گروهک‌ها، این تشکیلات شکل کاملی به خود گرفته و در عرصه‌های امنیتی، اطلاعاتی، جاسوسی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رسانه‌ای فعال شدند. مبنای ایدئولوژیکی این جریان که بعضاً تحت عنوان مکتب ایرانشهری ارائه می‌گردد، مبتنی بر اندیشه‌های پان‌ایرانیستی و باستان‌گرایی بوده و به شدت دارای گرایشات غربی و لیبرالیستی می‌باشد.

اصلی‌ترین هدف جریان مزبور، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی از روش‌های مختلف (نرم، نیمه‌سخت و سخت) و استقرار یک نظام پادشاهی پارلمانی یا جمهوری متمرکز، مبتنی بر جدایی دین از دولت، انتخابی بودن همه نهادهای حکومت با رأی مستقیم مردم به عنوان تنها منشاء قدرت و مشروعیت (جامعه فاقد طبقه) و ایجاد ساختار سیاسی سکولار مبتنی بر جمهوریت و اصول لیبرالیسم می‌باشد.

مهم‌ترین وابستگی جریان سلطنت‌طلب، وابستگی به رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌باشد و علاوه بر آن با سرویس‌های اطلاعاتی بسیاری از کشورها از جمله کشورهای متخاصم در ارتباط می‌باشد.

شاخص‌های جریان سلطنت‌طلبی

- داشتن نگاهی ایران‌گرایانه، میهن‌پرستانه و باستان‌گرایانه

- برخوردار از گرایشات پان‌ایرانیستی (ناسیونالیسم) و معتقد به مبانی لیبرالیسم

- بهره‌گیری از روش‌های مبارزاتی نرم، نیمه‌سخت و سخت (گام نخست نافرمانی مدنی - گام دوم نیمه‌سخت و مسلحانه (تهدید هوشمند)

- استفاده از اقدامات تشکیلاتی و سازمان‌یافته

جنبش اجتماعی

جنبش اجتماعی^۱ به شکلی از رفتار جمعی اطلاق می‌شود که با مشارکت فعالانه تعداد کثیری از مردم و با هدف ایجاد دگرگونی در تمام یا بخشی از اجتماع صورت بگیرد. جنبش‌ها اغلب زمانی شکل می‌گیرند که قوانین حاکم بر جامعه، نحوه توزیع قدرت و یا تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی

1. Social Movements

صاحبان قدرت، توانایی پاسخ‌گویی به مطالبات مردم را نداشته، مسائل عمده و جاری کشور لاینحل باقی مانده و نیازهای بیشتر اعضای جامعه برآورده نمی‌شود.

جنبش‌های اجتماعی نوین، بیش از آنکه نظریه علمی به نظر برسند، مانند مجموعه‌ای از باورها هستند. این جنبش‌ها فراتر از جنبش‌های قبلی مردم برای اعتراض بوده و بر عواملی چون هویت فردی، سبک زندگی، همسایگان، نگاه به جنسیت، امنیت و موارد مشابه تمرکز یافته و در عرصه سیاسی نیز خواهان ایجاد تحولاتی بنیادین در سبک زندگی، به‌ویژه در زمینه دموکراسی و جامعه مدنی هستند (اسملسر، ۱۹۹۲: ۵۱-۶۹).

رسانه

در زبان فارسی واژه «رسانه» نسبتاً نوظهور به‌شمار می‌رود و به عنوان معادلی برای واژگان بیگانه مانند Medium (رسانه) و Media (رسانه‌ها) به کار می‌رود. همان‌طور که از ریشه این واژه پیداست، کارکرد اصلی رسانه، رساندن است. یعنی افکار، پیام‌ها، حرف‌ها و دیدگاه‌های یک فرد یا یک مجموعه را به افراد، گروه‌ها و مجموعه‌های دیگر منتقل می‌کند (شعبانعلی، ۱۳۹۲: ۱-۱۱).

فضای مجازی

فضای مجازی که به عنوان رایاسپهر^۱ نیز شناخته می‌شود، به مجموعه‌ای از فناوری‌های دیجیتال متصل به یکدیگر اشاره دارد. این مفهوم در دهه ۱۹۸۰ در ادبیات علمی تخیلی مطرح شد و به تدریج توسط شاغلان و علاقه‌مندان به فناوری پذیرفته شد. در دهه بعد، هم‌زمان با رشد سریع استفاده از اینترنت، شبکه‌ها و مخابرات دیجیتال، رواج این اصطلاح میان عموم افزایش یافت. در این دوره، «فضای مجازی» به عنوان یک محیط جدید متولد شد که بسیاری از ایده‌ها و پدیده‌های نوظهور را تحت پوشش درآورد.

فضای مجازی، یک مفهوم فردی و همچنین بین‌المللی است که به توصیف فناوری‌های دیجیتال گسترده و مرتبط با یکدیگر می‌پردازد. برخی افراد فضای مجازی را صرفاً به عنوان یک محیط مفهومی در نظر می‌گیرند که در آن، ارتباطات از طریق شبکه‌های رایانه‌ای ایجاد می‌شوند (جلیلی، ۱۳۸۹).

1. Cyberspace

شبکه اجتماعی

افراد یک جامعه غالباً برای دستیابی به منابع مختلف و موقعیت‌های اجتماعی، به روابط شخصی و نزدیکان خود وابسته هستند. این روابط در واقع شبکه اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهد و مجموع شبکه اجتماعی افراد جامعه، باعث شکل‌گیری سیستم اجتماعی می‌گردد. دانشمندان جامعه‌شناس از مفهوم شبکه اجتماعی برای توصیف سیستم پیچیده روابط بین افراد در سیستم اجتماعی استفاده می‌کنند (استرکی، ۱۳۹۱: ۷۳).

شبکه اجتماعی، که منبع تولیدکننده سرمایه اجتماعی است، در واقع ترکیب کنشگران (لزوماً افراد نیستند و می‌توانند سازمان‌ها و گروه‌ها نیز باشند) و روابط بین آنها می‌باشد. به طور خلاصه، می‌توان شبکه اجتماعی را یک الگوی روابط دانست که کنشگران یا کاربران را به یکدیگر متصل می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

شبکه اجتماعی می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از افراد، احزاب، سازمان‌ها یا گروه‌های اجتماعی دیگر تعریف شود که از طریق روابط اجتماعی با جنس‌های گوناگون مانند تحصیل، دوستی، ورزش، امرار معاش، همکاری یا تبادل اطلاعات به یکدیگر وصل می‌شوند. به این ترتیب و بر همین اساس، شبکه اجتماعی می‌تواند به عنوان یک الگوی ارتباطی تلقی شود که مردم را به یکدیگر متصل می‌نماید یا پیوندهایی که افراد را با گروه‌های مختلف مردم مرتبط می‌کند (باستانی، ۱۳۸۲).

شبکه‌های اجتماعی در دامنه یک جامعه اطلاعاتی پیچیده، نقش مؤثر شبکه را که عبارت از استحکام و همگرایی باشد، نمایان می‌کنند. با یک تحلیل دقیق‌تر، جامعه ترکیبی از شبکه‌های متعدد است؛ شبکه‌های بین سازمان‌ها، شبکه‌های درون سازمانی، شبکه‌های شخصی، شبکه‌های رایانه‌ای و شبکه‌های فرامرزی. اطلاعات از طریق این بزرگراه‌ها جریان پیدا می‌کند (افتاده، ۱۳۸۸: ۴).

این شاید قابل‌فهم‌ترین تعریف باشد که شبکه‌های اجتماعی هنگامی متولد می‌شوند که گره‌های مرتبط به هم، در کنار یکدیگر شکل می‌گیرند. هر گره می‌تواند یک فرد، گروه، یا سازمان باشد. شبکه اجتماعی به دنبال نمایش و تحلیل ارتباطات بین این گره‌ها و جریان دانش و اطلاعات بین آنها می‌باشد. همین تعریف در بیانی دیگر؛ شبکه‌های اجتماعی زمانی به وجود می‌آیند که گره‌های متصل به هم، یک ساختار به هم پیوسته را شکل دهد. هر گره می‌تواند فرد، گروه، یا یک سازمان

باشد. شبکه اجتماعی به معنای بررسی و نمایش ارتباطات بین این گره‌ها و جریان دانش و اطلاعات بین آنهاست (بارنز، ۱۹۵۴).

همچنین لازم به ذکر است که، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در روندهای کلان جوامع، طی چند سال اخیر نشان می‌دهد که شتاب رو به رشد و تحولی که به لحاظ فنی-تکنولوژی در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، به صورت مستقیم در روندهای کلان تأثیرگذار بوده و با همان سرعت تحولات اجتماعی نیز در حال وقوع می‌باشد (نیکوخصال، ۱۴۰۲: ۱۳۴).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق تلفیقی یا آمیخته^۱، یک رویکرد پژوهشی است که در آن از ترکیب هم‌زمان روش‌های کمی و کیفی استفاده می‌شود. صاحب‌نظران مطالعات داخلی، این روش را با عنوان «طرح پژوهش آمیخته اکتشافی» نیز مطرح می‌کنند. در این نوع پژوهش، معمولاً ابتدا با استفاده از روش‌های کیفی به شناسایی مفاهیم و مقوله‌های اساسی پدیده مورد نظر پرداخته می‌شود سپس در مرحله کمی، الگویی مبتنی بر مقوله‌های شناسایی شده ایجاد می‌شود.

الگوریتم کلی روش تحقیق تلفیقی در این پژوهش به صورت زیر طراحی شده است:

بخش کیفی: انجام مصاحبه‌های تخصصی با صاحب‌نظران با استفاده از مصاحبه ساخت یافته و نیم ساخت یافته به منظور گردآوری اطلاعات از اقدامات جریان سلطنت طلب در ایام اغتشاشات.

بخش کمی: طراحی پرسشنامه‌های لازم پیرامون داده‌های استخراج شده (راهبردهای جریان سلطنت طلب) از مصاحبه‌ها.

تحقیق حاضر از نظر میزان کنترل متغیرها، غیر آزمایشی و از لحاظ زمانی با توجه به اینکه تحقیق در یک مقطع زمانی خاص و معین صورت می‌گیرد، راهبرد اصلی مورد استفاده در آن، پیمایش با روش مقطعی خواهد بود و از نظر هدف تحقیق، جزو تحقیق‌های کاربردی به حساب می‌آید.

نمونه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران و کارشناسان حوزه سلطنت طلب و درگیر در امور اطلاعاتی، امنیتی و رسانه‌ای ایام اغتشاشات ۱۴۰۱ بوده و حجم نمونه استخراج شده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر می‌باشند.

شیوه‌ها و ابزارهای گردآوری اطلاعات

شیوه‌ها و ابزارهای گردآوری اطلاعات در یک تحقیق به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌گردد. در این پژوهش، مطالعات اولیه مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق از رویکرد کتابخانه‌ای و سپس از روش رویکرد میدانی (مصاحبه، مشاهده و پیمایش) استفاده شده است. با توجه به چارچوب مورد بحث برای بررسی راهبردهای اصلی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی، به یک سری شاخص برای سنجش نیاز است. در این پژوهش شاخص‌ها در قالب پرسشنامه‌ای شامل ۳۰ سؤال در اختیار خبرگان و کارشناسان قرار داده شد.

طراحی پرسشنامه

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش عموماً متشکل از دو دسته سؤالات عمومی و تخصصی است. دسته اول) سؤالات عمومی پیرامون مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان مانند سن، تحصیلات، سنوات خدمتی، سنوات خدمتی مرتبط با موضوع است.

دسته دوم) سؤالات تخصصی پرسشنامه هستند.

سؤالات این پرسشنامه (۳۰ سؤال) براساس گویه‌های تهاجمی و تدافعی مربوط به عملکرد جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ طراحی شده است. پس از بررسی سؤالات، راهبردهای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ در قالب پرسشنامه‌ای با ۴ سؤال کلان (راهبرد) برگرفته از همان سؤالات اولیه (۳۰ سؤال)، طراحی گردید و طی آن از خبرگان خواسته شد تا در خصوص هر یک از راهبردهای مشخص شده نظرات خود را بیان نمایند.

جهت امتیازدهی و ارزش‌گذاری کمی سؤالات از طیف لیکرت و مطابق جدول ۱ استفاده می‌شود.

جدول ۱- ارزش‌گذاری طیف لیکرت

کاملاً مخالف	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	گزینه انتخابی
۵	۴	۳	۲	۱	امتیاز

۲۰

روایی و پایایی

روایی این تحقیق با استفاده از نظرات اساتید، متخصصان و کارشناسان مورد تأیید واقع شد و با عنایت به میزان کلی آلفای کرونباخ به دست آمده (مقدار ۰/۸۹۴) برای تمام سؤالات پرسشنامه و برای هر راهبرد به صورت مجزا مطابق با جدول ذیل) این ابزار از پایایی (قابلیت اعتماد) لازم نیز برخوردار می‌باشد. البته مقدار ۰/۸۹۴ برای تمام سؤالات (۳۰) پرسشنامه بوده و آلفای کرونباخ برای هر راهبرد به صورت مجزا مطابق با جدول ۲ می‌باشد.

جدول ۲- جدول پایایی (قابلیت اعتماد) متغیرهای تحقیق

مقدار آلفا	تعداد سؤال	نام متغیر
۰/۷۹۹	۱۷	اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱
۰/۷۷۹	۱۴	حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱
۰/۸۰۲	۱۶	نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱
۰/۸۱۹	۱۸	اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱

نکته قابل توجه اینکه: مقدار آلفای بیشتر از ۰/۷۰ معتبر خواهد بود، آلفای ۰/۵۰ تا ۰/۷۰ با احتیاط قابل قبول و آلفای کمتر از ۰/۵۰ قابلیت اعتماد نخواهد داشت.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بر اساس طرح اولیه، این پژوهش به دنبال بررسی، احصا و تبیین راهبردهای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی بوده است. در همین راستا لازم است نتایج به دست آمده از پرسشنامه مورد بررسی و از این مجرا، جمع‌بندی حاصل گردد.

۱- آمار توصیفی

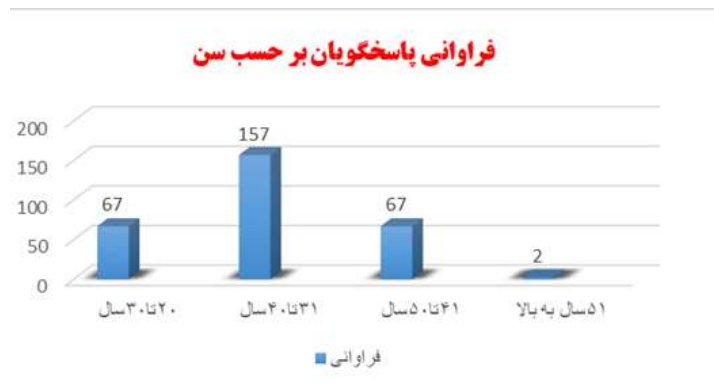
ویژگی‌های جمعیت شناختی (دموگرافیک) پاسخ‌گویان از نظر سن، تحصیلات، سنوات خدمتی به شرح ذیل است.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب سن

در پژوهش حاضر پاسخ‌گویان برحسب سن به ۴ گروه ۲۰-۳۰، ۳۱-۴۰، ۴۱-۵۰ و ۵۱ به بالا تقسیم شدند که توزیع فراوانی آنها در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب سن

		Frequency	Percent	Valid	Cumulative
				Percent	Percent
Valid	20-30	67	22.3	22.9	22.9
	31-40	157	52.3	53.6	76.5
	41-50	67	22.3	22.9	99.3
	۵۱ به بالا	2	.7	.7	100.0
	Total	293	97.7	100.0	
Missing	555.00	7	2.3		
Total		300	100.0		



نمودار ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب سن

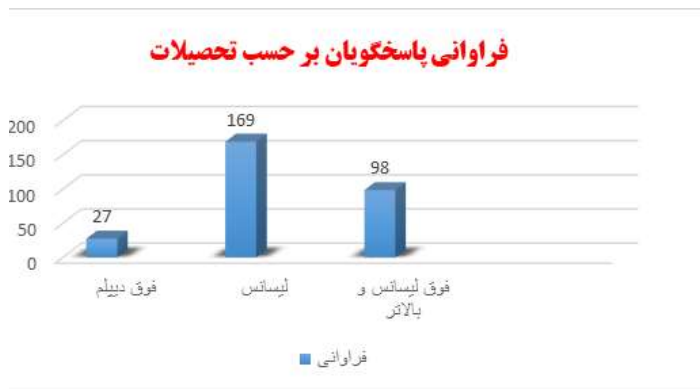
بر اساس جدول ۳ و نمودار ۱، ۲۲٫۳ درصد پاسخ‌گویان سنین بین ۳۰-۲۰، ۵۲٫۳ درصد پاسخ‌گویان سنین بین ۴۰-۳۱، ۲۲٫۳ درصد پاسخ‌گویان سنین بین ۵۰-۴۱ سال و ۰٫۷ درصد پاسخ‌گویان سنین ۵۱ سال به بالا داشته‌اند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات

جامعه مورد تحقیق برحسب تحصیلات به ۴ گروه دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر تقسیم شدند که توزیع فراوانی آنها در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	فوق دیپلم	27	9.0	9.2	9.2
	لیسانس	169	56.3	57.5	66.7
	فوق لیسانس به بالا	98	32.7	33.3	100.0
	Total	294	98.0	100.0	
Missing	555.00	6	2.0		
Total		300	100.0		



نمودار ۲- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات

بر اساس جدول ۴ و نمودار ۲، ۹ درصد حجم نمونه مورد تحقیق دارای تحصیلات فوق دیپلم و ۵۶,۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۳۲,۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سنوات خدمت مرتبط با موضوع

افراد مورد پژوهش بر اساس سنوات خدمت مرتبط با موضوع تخصصی به ۴ گروه خدمتی از قبیل: ۱-۵ سال، ۶-۱۰ سال، ۱۱-۱۵ سال و بیش از ۱۶ سال تقسیم شدند که توزیع فراوانی آنها در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سنوات خدمت مرتبط با موضوع

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	1-5	182	60.7	65.2	65.2
	6-10	66	22.0	23.7	88.9
	11-15	14	4.7	5.0	93.9
	۱۶ به بالا	17	5.7	6.1	100.0
	Total	279	93.0	100.0	
Missing	555.00	21	7.0		
Total		300	100.0		



نمودار ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سنوات خدمت مرتبط با موضوع

همان گونه که از جدول ۵ و نمودار ۳ برداشت می‌شود: سنوات ۵-۱ سال ۶۰,۷ درصد حجم نمونه مورد مطالعه، سنوات ۱۰-۶ سال ۲۲ درصد، سنوات ۱۵-۱۱ سال ۴,۷ درصد و سنوات ۱۶ سال به بالا ۵,۷ درصد از حجم نمونه را نشان می‌دهد.

۲- آمار استنباطی

با توجه به اینکه در این تحقیق بناست از آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان اهمیت تک تک گویه‌ها (۴ راهبرد استخراج شده) بهره‌برداری گردد و از آنجایی که استفاده از آزمون مربوطه زمانی جایز است که داده‌های استخراج شده نرمال باشند، لذا در گام اول آزمون، نرمال بودن داده‌ها (K-S) بررسی و پس از آن و در صورت نرمال بودن از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده می‌گردد.

در خصوص شفاف‌سازی در مورد آزمون K-S توجه گردد که تعداد N که مساوی است با عدد ۱۷، به تعداد سؤالات ذیل اولین راهبرد (اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب) برمی‌گردد. آزمون K-S برای تعداد ۱۷ سؤال انجام شده است. همان ۱۷ سؤالی که ذیل راهبرد اول تعریف شده بودند. در واقع به هر سؤال (از ۱۷ سؤال) ۳۰۰ نفر پاسخ داده و برای به دست آوردن K-S در مرحله اول؛ میانگین پاسخ ۳۰۰ نفر برای هر سؤال را به دست آورده و در مرحله دوم؛ K-S میانگین‌ها در این ۱۷ سؤال به دست آمده است. فرآیند فوق نشان از نرمال بودن راهبرد اول که منشعب از ۱۷ سؤال می‌باشد، دارد. این روش در هر چهار محور مورد بررسی، تکرار گردیده است.

آزمون کلموگروف اسمیرنوف (K-S)

فرضیه صفر: عبارت است از پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($sig \geq 0.5$)

فرضیه مقابل: عبارت است از عدم پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($sig < 0.5$)

و از آنجایی که sig به دست آمده از جدول شماره شش (K-S) برابر است با ۰,۸۷، لذا فرضیه مقابل رد شده و فرضیه صفر مورد تأیید قرار می‌گیرد که این امر نشانگر نرمال بودن داده‌های مربوطه می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶- آزمون کلموگروف اسمیرنوف (K-S)

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
		سوال ۱
N		17
Normal Parameters ^{a,b}	Mean	1.8571
	Std. Deviation	.31273
Most Extreme Differences	Absolute	.195
	Positive	.195
	Negative	-.089
Test Statistic		.195
(Asymp. Sig. (2-tailed		.087 ^c

آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان اهمیت راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱

میزان اهمیت راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ به چه اندازه است؟ برای بررسی میزان اهمیت راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ میزان اهمیت راهبرد از ۱ تا ۵ تعریف شده است. این پژوهش درجه اهمیت ۳ و پایین تر را برای راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ در نظر گرفته است، لذا چنانچه میانگین راهبرد کمتر از ۳ باشد به عنوان راهبرد: اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ شناخته می‌شود.

اکنون با استفاده از آزمون t بررسی می‌شود که آیا میانگین راهبرد کمتر از عدد ۳ است یا نه؟

$$H_0 : \mu > 3 \qquad H_1 : \mu \leq 3$$

با توجه به اینکه شرط استفاده از آزمون آماری t نرمال بودن داده‌ها است لذا با استفاده از نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف جدول بالا فرض زیر را بررسی می‌کنیم.

فرض H_0 : عدم تأثیر راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

فرض H_1 : تأثیر راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

جدول ۷- آزمون T تک نمونه‌ای اقدامات ترکیبی

One-Sample Test						
Test Value = 3						
	t	df	Sig(2-tailed)	Mean Difference	Confidence 95% Interval of the Difference	
					Lower	Upper
سوال ۱	-15.069	16	.000	-1.14294	-1.3037	-.9822

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۷ و از آنجایی که $\text{sig}=0$ می‌باشد بنابراین فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان‌دهنده تأثیر راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بوده‌اند.

آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S)

فرضیه صفر: عبارت است از پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($\text{sig} \geq 0.5$)

فرضیه مقابل: عبارت است از عدم پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($\text{sig} < 0.5$)

و از آنجایی که sig به دست آمده از جدول ۸ (K-S) برابر است با ۰٫۲، لذا فرضیه مقابل رد شده و فرضیه صفر مورد تأیید قرار می‌گیرد که این امر نشانگر نرمال بودن داده‌های مربوطه است.

جدول ۸- آزمون کولموگروف اسمیرنوف

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
سوال ۲		
N		14
Normal Parameters ^{a,b}	Mean	1.7621
	Std. Deviation	.20763
Most Extreme Differences	Absolute	.126
	Positive	.126
	Negative	-.075
Test Statistic		.126
Asymp. Sig. 2-tailed		.200 ^{c,d}

آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان اهمیت راهبرد حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱

میزان اهمیت راهبرد حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ به چه اندازه است؟

برای بررسی میزان اهمیت راهبرد حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ میزان اهمیت گویه از ۱ تا ۵ تعریف شده است.

این پژوهش درجه اهمیت ۳ و پایین تر را برای راهبرد حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ در نظر گرفته است لذا چنانچه میانگین راهبرد کمتر از ۳ باشد به عنوان حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ شناخته می‌شود.

اکنون با استفاده از آزمون t بررسی می‌گردد که آیا میانگین راهبرد کمتر از عدد ۳ است یا نه؟

$$H_0 : \mu > 3 \qquad H_1 : \mu \leq 3$$

با توجه به اینکه شرط استفاده از آزمون آماری t نرمال بودن داده‌ها است لذا با استفاده از نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف جدول بالا فرض زیر بررسی می‌گردد.

فرض H_0 : عدم حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

فرض H_1 : حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

جدول ۹- آزمون T تک نمونه‌ای حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی

One-Sample Test						
Test Value = 3						
t	df	Sig. 2-tailed	Mean Difference	Confidence 95% Interval of the Difference		
				Lower	Upper	
سوال ۲	-22.307	13	000.	-1.23786	-1.3577	-1.1180

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره نه و از آنجایی که $\text{sig}=0$ می‌باشد بنابراین فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان دهنده تأثیر راهبرد حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بوده‌اند.

آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S)

فرضیه صفر: عبارت است از پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($\text{sig} \geq 0.5$)

فرضیه مقابل: عبارت است از عدم پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($\text{sig} < 0.5$)

و از آنجایی که sig به دست آمده از جدول ۱۰ (K-S) برابر است با ۰٫۲، لذا فرضیه مقابل رد و فرضیه صفر مورد تأیید قرار می‌گیرد که این امر نشان از نرمال بودن داده‌های مربوطه می‌دهد.

جدول ۱۰- آزمون کولموگروف اسمیرنوف

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
		سؤال ۳
N		17
Normal Parameters ^{a,b}	Mean	1.8476
	Std. Deviation	.22574
Most Extreme Differences	Absolute	.138
	Positive	.138
	Negative	-.098
Test Statistic		.138
Asymp. Sig. 2-tailed		.200 ^{c,d}

آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان اهمیت راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱

میزان اهمیت راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ به چه اندازه است؟

برای بررسی میزان اهمیت راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ میزان اهمیت گویه از ۱ تا ۵ تعریف شده است.

این پژوهش درجه اهمیت ۳ و پایین تر را برای راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ در نظر گرفته است لذا چنانچه میانگین راهبرد کمتر از ۳ باشد به عنوان راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ شناخته می شود.

اکنون با استفاده از آزمون t بررسی می گردد که آیا میانگین راهبرد کمتر از عدد ۳ است یا نه؟

$$H_1 : \mu \leq 3$$

$$H_0 : \mu > 3$$

با توجه به اینکه شرط استفاده از آزمون آماری t نرمال بودن داده‌ها است لذا با استفاده از نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف جدول بالا فرض زیر بررسی می گردد.

فرض H_0 : عدم تأثیر راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_1 : تأثیر راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

جدول ۱۱- آزمون T تک نمونه‌ای نفوذ، جذب و سازماندهی

One-Sample Test						
Test Value = 3						
	t	df	Sig. 2-tailed	Mean Difference	Confidence 95% Interval of the Difference	
					Lower	Upper
سوال ۳	-21.048	16	.000	-1.15235	-1.2684	-1.0363

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۱۱ و از آنجایی که $\text{sig}=0$ می‌باشد بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان‌دهنده تأثیر راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بوده‌اند.

آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S)

فرضیه صفر: عبارت است از پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($\text{sig} \geq 0.5$)

فرضیه مقابل: عبارت است از عدم پیروی داده‌ها از توزیع نرمال ($\text{sig} < 0.5$)

و از آنجایی که sig به دست آمده از جدول ۱۲ (K-S) برابر است با ۰,۲، لذا فرضیه مقابل رد و فرضیه صفر تأیید می‌گردد، که این امر نشان از نرمال بودن داده‌های مربوطه می‌دهد.

جدول ۱۲- آزمون کولموگروف اسمیرنوف

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
		سوال ۴
N		17
Normal Parameters ^{a,b}	Mean	1.8029
	Std. Deviation	.2473
Most Extreme Differences	Absolute	.117
	Positive	.117
	Negative	-.104
Test Statistic		.117
Asymp. Sig. 2-tailed		.200 ^{c,d}

آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان اهمیت راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱

میزان اهمیت راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ به چه اندازه است؟ برای بررسی میزان اهمیت راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ میزان اهمیت گویه از ۱ تا ۵ تعریف شده است.

این پژوهش درجه اهمیت ۳ و پایین تر را برای راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ در نظر گرفته است لذا چنانچه میانگین راهبرد کمتر از ۳ باشد به عنوان اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات ۱۴۰۱ شناخته می شود.

اکنون با استفاده از آزمون t بررسی می کنیم که آیا میانگین راهبرد کمتر از عدد ۳ است یا نه؟

$$H_0 : \mu > 3 \quad H_1 : \mu \leq 3$$

با توجه به اینکه شرط استفاده از آزمون آماری t نرمال بودن داده‌هاست لذا با استفاده از نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف جدول بالا فرض زیر بررسی می گردد.

فرض H_0 : عدم تأثیر راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_1 : تأثیر راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

جدول ۱۳- آزمون T تک نمونه‌ای اقدامات رسانه‌ای

One-Sample Test						
Test Value = 3						
t	df	Sig. 2-tailed	Mean Differ- ence	Confidence 95% Interval of the Difference		
				Lower	Upper	
سوال ۴	-19.980	16	.000	-1.19706	-1.3241	-1.0700



با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۱۳ و از آنجایی که $\text{sig}=0$ می‌باشد بنابراین فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان‌دهنده تأثیر راهبرد اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بوده‌اند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در اواخر حکومت قاجار، با طراحی صورت گرفته توسط تشکیلات فراماسونری در داخل کشور، پروژه‌ای عریض و طویل تحت عنوان «ناسیونالیسم باستان‌گرا» در ایران بنیان نهاده شد. این ابر پروژه که با پیمان‌کاری بریتانیا اقدامات خود را دنبال می‌کرد، به دنبال تقویت مباحث ایران‌گرایی و ملت‌سازی آریایی در کشور بود. هدف تشکیلات مذکور، تضعیف اسلام و کاهش اسلام‌گرایی از طریق ایجاد دوقطبی ایرانی - اسلامی بود.

آنچه در ایران اتفاق افتاد به عبارتی شکل‌گیری یک دولت مطلقه در راستای ملت‌سازی آریایی بود که برخی صاحب‌نظران از آن به حکومت فاشیستی پهلوی نام می‌برند. چرا که به لحاظ علمی و در تعریف حکومت‌های فاشیستی مطرح گردیده که: «فاشیسم یک نظریه سیاسی راست افراطی و گونه‌ای نظام حکومتی خودکامه ملی‌گرای افراطی بوده که بر سه محور و اصل؛ ۱- حزب سیاسی واحد، ۲- نژادپرستی افراطی و ۳- دولت مقتدر و متمرکز، استوار است». این محورها به صورت نعل به نعل در مبانی مدل پان‌ایرانیسم باستان‌گرا و ساختار حکومتی پهلوی قابل مشاهده است. پس از آن جریانات مختلف نیز با موج گسترده تفکرات ملی‌میهنی و مکاتب برآمده از آن همراه شدند و

نسبت به ایجاد جریان سلطنت طلب در ایران با هدف ترویج تفکرات ایرانی باستانی و استقرار یک نظام پادشاهی لیبرالیستی اقدام نمودند.

مشی جریان سلطنت طلب در دوران رژیم پهلوی، عمدتاً مبتنی بر اقدامات غیر خشونت آمیز (نرم) و امور تشکیلاتی پنهان بوده و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، اقدامات نیمه سخت و مسلحانه و هسته سازی گروهکی به سید برنامه آنها اضافه گردیده است. فعالیت جدی جریان سلطنت طلب و البته سایر گروه های طیف راست در فاز عملیاتی، معطوف به دوران بعد از سرنگونی رژیم پهلوی می باشد. در همین دوران است که فعالیت کلیه گروهک ها، تشکل ها، احزاب، شوراها، منفردان و... با مرام سلطنت طلب در داخل و خارج از کشور به صورت روز افزون در حال گسترش می باشد. شیوه مبارزاتی جریان سلطنت طلب بر مبنای الگوریتم تهدید مرکب و به صورت هوشمند می باشد. به این معنا که جریان مذکور تمامی توانمندی ها را از اقدامات نرم نظیر فعالیت رسانه ای تا اقدامات نیمه سخت و سخت مانند اقدامات مسلحانه و بمب گذاری در خود فراهم می نماید.

این روند با حمایت های دول غربی و سرویس های اطلاعاتی آنها بوده و اقدامات جریان سلطنت طلب در شرایط کنونی نیز با حمایت حداکثری رژیم صهیونیستی و آمریکا می باشد. علاوه بر موارد مذکور، سرویس کشورهای اروپایی به عنوان سرویس اطلاعاتی اصلی و کشورهای منطقه به عنوان سرویس اطلاعات فرعی نیز در ارتباط با این جریان بوده و از آن حمایت می نمایند.

جریان سلطنت طلب به واسطه حضور پررنگ در گلوگاه های مؤثر بر توده های اجتماعی نظیر شبکه های اجتماعی، فضای مجازی و... دارای توان تأثیر گذاری در اغتشاشات و ناآرامی ها می باشد. ابعاد این تأثیر گذاری را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- شکل دهی اعتراضات، اعتصابات، اغتشاشات و غیره.
- استمرار اغتشاشات.
- سطح درگیری اعم از نرم، نیمه سخت و غیره.
- مناطق درگیری.
- توده های درگیر در اغتشاشات.
- تاکتیک های به کاررفته توسط اغتشاش گران.

با عنایت به موارد مطروحه، نتایج حاصل از تحقیق مذکور به قرار ذیل می‌باشد:

(۱) بر اساس جداول ۳، ۴، ۵، بیشترین فراوانی پاسخ گویان؛

از منظر سن ۵۲،۳ درصد بوده که مربوط به سنین بین ۳۱-۴۰ سال می‌باشد.

از منظر تحصیلات ۵۶،۳ درصد بوده که مربوط به تحصیلات کارشناسی می‌باشد.

از منظر سنوات خدمت در موضوع ۶۰،۷ درصد بوده که مربوط به سنوات ۵-۱ سال می‌باشد.

(۲) ضریب آلفای کرونباخ داده‌ها (جدول ۲) که نشان‌دهنده برداشت یکسان پاسخ گویان از سؤالات بوده، ۰/۸۹۴ می‌باشد. هر چه مقدار آلفا به ۰/۹۵ نزدیک‌تر باشد بهتر است.

(۳) با توجه به **sig** های مستخرجه از آزمون **k-s** (جداول ۶، ۸، ۱۰، ۱۲) که:

مقدار **Sig** برای آزمون مربوط به راهبرد اقدامات ترکیبی، ۰/۸۷ می‌باشد.

مقدار **Sig** برای آزمون مربوط به راهبرد پشتیبانی و حمایت سرویس‌های غربی، ۰/۲ می‌باشد.

مقدار **Sig** برای آزمون مربوط به راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی، ۰/۲ می‌باشد.

مقدار **Sig** برای آزمون مربوط به اقدامات رسانه‌ای، ۰/۲ می‌باشد.

توزیع داده‌ها منطبق بر نرمال قلمداد می‌گردد.

(۴) آزمون **t** تک نمونه‌ای را برای بررسی میزان اهمیت راهبردها در اغتشاشات ۱۴۰۱ مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی انجام داده که نتایج آن به قرار ذیل می‌باشد:

فرض H_0 : عدم تأثیر راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

فرض H_1 : تأثیر راهبرد اقدامات ترکیبی جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

با عنایت به جدول ۷ و از آنجایی که **sig=0** فرض **H_0** رد شده و فرض **H_1** پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان می‌دهد که:

اثبات تأثیر اقدامات ترکیبی جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_0 : عدم حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_1 : حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ با عنایت به جدول ۹ و از آنجائیکه $\text{sig}=0$ فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان می‌دهد که:

اثبات تأثیر حمایت و پشتیبانی سرویس‌های غربی از جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_0 : عدم تأثیر راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱.

فرض H_1 : تأثیر راهبرد نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

با عنایت به جدول ۱۱ و از آنجائیکه $\text{sig}=0$ فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان می‌دهد که:

اثبات تأثیر نفوذ، جذب و سازماندهی جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_0 : عدم تأثیر اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

فرض H_1 : تأثیر اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

با عنایت به جدول ۱۳ و از آنجائیکه $\text{sig}=0$ فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این به معنی آن است که میانگین کمتر از ۳، و نشان می‌دهد که:

اثبات تأثیر اقدامات رسانه‌ای جریان سلطنت‌طلب در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

پیشنهادها

- پرهیز از دوقطبی‌سازی ایرانی - اسلامی و ممانعت از هرگونه تقابل گفتمانی.
- سیاست‌گذاری در مراجع آکادمیک و قشر نخبگانی کشور در راستای هدایت پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی در جهت جریان‌شناسی تاریخ معاصر.
- تبیین ماهیت دست‌نشانده رژیم منحوس پهلوی و سوء عملکرد آنها در افکار عمومی.
- روشنگری نسبت به ماهیت گروه‌های تشکل‌های ایران‌گرا در راستای کاهش پایگاه اجتماعی جریان سلطنت‌طلب.
- تولید محتوای مناسب و روشنگرانه برای رده سنی کودک و نوجوان.
- بازخوانی مکتوبات و پرونده‌های موجود از جریان سلطنت‌طلب و احصای شیوه و شگردهای آنها.
- بررسی و احصای روش‌های شبکه‌سازی نوین مورد استفاده توسط جریان سلطنت‌طلب و کشف روش مقابله با آن.
- آگاه‌سازی عمومی و ناامیدسازی بدنه هوادار و برجسته‌سازی هزینه عضویت و هواداری از گروهک‌ها.

منابع فارسی

- ۱- اسدی فرد، محمد و همکاران، (۱۴۰۱)، «بررسی تهدیدات امنیتی اقلیم کردستان عراق بر کردستان ایران»، تهران: فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، سال ۱۱، شماره ۴۲: ۵۹-۸۱.
- ۲- بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، «جامعه‌شناسی سیاسی»، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ۳- تقوی نژاد، محدثه‌السادات، (۱۴۰۲)، «نقش توسعه شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات و اغتشاشات اجتماعی و سیاسی»، تهران: مقاله ارائه شده در کنفرانس دومین کنگره بین‌المللی مدیریت.
- ۴- توحیدلو، سمیه، (۱۴۰۲)، «فرا ترکیب تحلیل‌های موجود درباره اعتراض‌های ۱۴۰۱ ایران»، تهران: مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ۲۳، شماره ۴: ۱۴۵-۱۷۹.
- ۵- حسینی جیردهی، حسین و همکاران، (۱۴۰۲)، «واکاوی نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری آشوب‌های اجتماعی آبان ۱۳۹۸ در ایران»، تهران: فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۶، شماره ۵۸: ۴۹-۱۱.
- ۶- دوبنوا، آلن، (۱۳۷۶)، «چپ راست، پایان یک نظام (شکاف‌های کهنه و الگویی نو)»، ترجمه شهروز رستگار نامدار، تهران: اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- ۷- رحبی، آروین، (۱۳۹۳)، «سیاست‌های اقدام غیر خشونت‌آمیز»، مرکز مطالعات راهبرد بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد.
- ۸- رضایی، عبدالعظیم، (۱۳۷۸)، «گنجینه تاریخ ایران»، تهران: اطلس، چاپ اول، جلد دوازدهم.
- ۹- شاهدی، مظفر، (۱۳۸۹)، «K.G.B چپ‌های ایرانی»، تهران: فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، شماره ۵۳ و ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- ۱۰- صابر دمیرچی، حسین، (۱۴۰۱)، «واکاوی عوامل ساختاری و نیروهای فرآیندی اعتراضات مردمی خیابانی در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: بحران‌پژوهی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۳: ۱-۲۴.
- ۱۱- عباسی شوازی، محمدتقی و همکاران، (۱۳۹۷)، «فضای مجازی، همنشینی و رفتارهای پرخطر: مطالعه رابطه همنشینی دانشجویان در فضای مجازی با رفتارهای پرخطر در فضای واقعی و مجازی»، تهران: فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷.
- ۱۲- قائدی، محمدرضا و همکاران، (۱۴۰۰)، «عوامل مؤثر در بروز بحران امنیتی در شهرهای ایران (کاربست نظریه محرومیت نسبی در تحلیل اعتراضات آبان ۱۳۹۸)»، تهران: پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. دوره ۱۲، شماره ۴۶: ۱۶۶-۱۸۲.
- ۱۳- ندائی، علی‌اکبر، (۱۴۰۲)، «نگرشی پست‌مدرن به ناآرامی‌های کشور در ۱۴۰۱»، تهران: فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۶، شماره ۶۱، بهمن ۱۴۰۲: ۱۳۱-۱۶۱.

- ۱۴- نوروپور، مرتضی، (۱۳۹۸)، «تحلیل اعتراضات سیاسی دی ماه ۱۳۹۶»، تهران: پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۴، شماره ۴: ۱۸۵-۲۲۰.
- ۱۵- نیکوخصال، تانیا و همکاران، (۱۴۰۲)، «ارائه مدل مفهومی حکمرانی امنیت شبکه‌های اجتماعی پیام‌رسان داخلی»، تهران: فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، سال ۱۱، شماره ۴۶: ۱۲۹-۱۵۳.
- ۱۶- هارمن، کریس، (۱۳۹۳)، «انقلاب در قرن بیست و یکم»، ترجمه مزدک دانشور، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.

منابع لاتین

- 1.Smelser, N. (1992). Social change and modernity. Berkeley: University of California press.